

چکیده

با گذشت زمان و نمایان شدن افق‌ها و فضاها‌ی فکری جدید، تغییر در نگرش و تناسب در شیوه‌ها و راهبردها اجتناب‌پذیر شد. قوانین رفاهی که به اعتقاد دانشمندان و تحلیلگران مسائل رفاهی بخشی از زندگی و فرهنگ انسان را در عصر حاضر تشکیل می‌دهد، متضمن جرایمی است که در یک نامگذاری گسترده، به «جرایم با مسئولیت کیفری بدون تقصیر» موسوم شده‌اند. با پیدایش و گسترش جرایم مزبور، مباحث و مسائل مهمی مطرح شده است. یکی، تأثیرپذیری آنها از مبانی و اصول جدید و تقابل ظاهری آنها با جرایم به اصطلاح واقعی یا سستی همچون قتل، سرقت و هتک ناموس و دیگر ساختار شکلی و اثباتی متفاوت آنهاست. قطع نظر از معیارهایی که برای تمامی جرایم مزبور از جرایم واقعی مطرح و معمول شده است و آشنایی با آنها در حقوق کیفری مفید خواهد بود، باید دید که چرا بنیاد سستی ضرورت احراز تقصیر دچار تحول شده است؟ و چگونه می‌توان بین جرایم مورد بحث و عنصر تقصیر در ساختار مسئولیت کیفری توازن و تعامل منطقی برقرار گردد؟ در ریشه‌یابی مسئولیت کیفری بدون تقصیر دلایل عدیده‌ای مطرح شده است. علاوه بر دلایل ماهوی و علمی از قبیل تحولات اجتماعی، صنعتی و همچنین ظهور اندیشه‌های پیشگیرانه آموزه تحقیقی ایتالیایی، ملاحظات شکلی، یعنی دشواری اثبات تقصیر مرتکب نیز مورد توجه قرار دارد. در واقع، به دلیل به کارگیری علوم و فناوری‌های جدید در عرصه‌های مختلف، پیچیدگی روابط موجود در آنها و نهایتاً سخت‌تر شدن وظیفه احراز ذهنیت مجرمانه و مسئولیت مرتکب و به منظور پیشگیری از خطرها و نتایج ناگوار اجتماعی و تأمین هرچه بیشتر منافع عمومی در برابر منافع فردی متهم، فرایند احراز تقصیر و تحمیل مجازات بر مجرم از طریق شیوه خاص مسئولیت کیفری بدون تقصیر تسهیل شده است. به سخن دیگر، ضرورت حمایت از مصالح جمعی، مراجع قضایی و قانونی را بر آن داشته است که از تصمیمات خود، حقوق و مصالح فردی را در درجه دوم اهمیت قرار دهند.